

مدرسه، سرمایه اجتماعی و امنیت

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۵

(صص ۱۱۳-۱۳۴)

ناهد نادر بنی*^۱

پگاه پورزنجانی^۲

امین فراهانی^۳

چکیده

در لغت امنیت شامل فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله، و در اصطلاح سیاسی و حقوقی امنیت در حوزه‌های فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی و حتی سلامت و بهداشت و آموزش به کار برده می‌شود. "آن چه که در این امنیت می‌تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق توسعه سرمایه اجتماعی) نقش مؤثری داشته باشد آموزش و پرورش هر کشور است. آموزش و پرورش منحصر به افراد، زمان، مکان، یا عمل خاصی نیست. یعنی به طور مشخص «آموزش و پرورش» منحصر به مدرسه، کودکان، یا آموزش دروس خاصی نیست، بلکه «آموزش و پرورش» برای همه، در هر مقطعی از زمان و مکان است و بر عملکرد افراد در جامعه تأثیر گذار است. یکی دیگر از اهداف آموزش و پرورش ایجاد و توسعه اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجادکننده هم‌فکری، تعاون و هم‌یاری در حل مشکلات و مسایل جامعه است و منجر به افزایش تعهدات اجتماعی می‌شود. هر جا که نیاز به توجه بیشتر بر امنیت در هر حوزه‌ای در جوامع احساس می‌شود آموزش و پرورش و سیستم آن می‌تواند پرچم‌دار رفع این نیاز باشد. بنابراین سرمایه اجتماعی مقوله‌ای نسبتاً جدید در کنش‌های اجتماعی محسوب می‌گردد که تأثیرات زیادی بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها از جمله امنیت ملی دارد که با واسطه‌گری آموزش و پرورش ارتقاء خواهد یافت. لذا در این مقاله سعی بر این است به رابطه مدرسه با سرمایه اجتماعی سپس، نقش آن‌ها در امنیت در جامعه پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مدیریت آموزش، مدرسه، سرمایه اجتماعی، امنیت ملی

۱. استاد، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

n.naderi.b@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران

۱. مقدمه

همواره مدارس و مؤسسات آموزشی به دنبال ارتقا عملکرد خود هستند. ارتباط دادن پیشرفت مدرسه به توسعه اجتماعی می‌تواند تأثیر بسزایی روی یادگیری، تغییر عوامل اجتماعی و ساختاری که نابرابری تحصیلی را اشاعه می‌دهند، داشته باشد (وان ۲۰۰۷). انسجام جامعه پیامد توانمندسازی و تعامل اجتماعی مؤثر است. بنابراین یک جامعه سالم به ماهیت و کیفیت روابط بین افراد موجود بستگی دارد. واژه "سرمایه اجتماعی" برای توصیف تأثیر این قبیل روابط استفاده شده است. مقدار و ماهیت سرمایه اجتماعی نیز با گستره‌ای از خروجی‌های کودکان از جمله بهداشت و آموزش مرتبط بوده است (ویلکنز، ۲۰۱۴).

تحقیقات نشان داده‌اند که تنها بخش محدودی از موفقیت یک کودک در زندگی به مدرسه مربوط می‌شود (ونگ، ۲۰۱۰).

ولی اکثر عوامل به زمینه‌های اجتماعی و مسائل خانوادگی مرتبط هستند. برای غلبه بر نابرابری تحصیلی در دنیای امروزه نیاز اساسی به طراحی رویه‌هایی برای ترویج تعامل اجتماعی و توانمندسازی وجود دارد. ارزش اجتماعی مدارس از طریق بررسی میزان تأثیر گذاریشان بر جامعه خارج از مدرسه مشخص می‌شود. استراتژی‌های مؤثر برای ترویج سرمایه‌های اجتماعی در مدارس و موانع موجود و پیامدهای اثر گذار بر امنیت ملی در این مقاله مورد بحث قرار گرفته شده است.

در سال‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی به معنای این که مشارکت کردن در گروه و جامعه می‌تواند برای فرد منافع و کارکردهای مثبت داشته باشد، یکی از رایج‌ترین واژه‌هایی است که از علوم اجتماعی وارد ادبیات حوزه‌های دیگر علمی و حتی وارد زبان عمومی شده است. تأکید بر اهمیت اثرات مثبت روابط اجتماعی بر روی فرد و نگرانی و دغدغه نسبت به تنزل روابط اجتماعی معنادار در جوامع جدید، از مفاهیم و

بحث‌های قدیمی جامعه‌شناسی می‌باشند و می‌توان گفت واژه سرمایه اجتماعی در این معنی، مفهوم نو و جدیدی نیست و به آرای پیشکسوتان جامعه‌شناسی مانند جان دیویی، کارل ماکس، امیل دورکیم و یا گنورک زمیل بر می‌گردد. به نظر امیل دورکیم، در شرایطی که انسجام اجتماعی کاهش یابد و سنت‌ها و هنجارهای جامعه فرد را در رفتار اجتماعی اش راهنمایی نکنند، فرد دچار بی‌هنجاری (آنومی) می‌شود و بسیاری از رفتارهای ناهنجار، از جمله خودکشی، افزایش خواهند یافت. سرمایه اجتماعی نیز مفهومی جدید است و می‌تواند شامل اعتماد، انسجام و مشارکت ملی باشد.

سرمایه اجتماعی می‌تواند به واسطه‌ی اثرگذاری بر عملکرد نهادهای مختلف، بر میزان جرایم و خشونت‌ها، بر سلامت جامعه، یکپارچگی و همبستگی ملی و ... امنیت ملی را متأثر از خود نماید. بررسی‌های صورت گرفته توسط اندیشمندان و محققان مختلف، نشان‌دهنده تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی افزایش و یا کاهش تنش‌های اجتماعی است.

بنابراین درک و فهم سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت ملی نقش حائز اهمیتی دارد. همچنین، مفهوم سرمایه اجتماعی می‌تواند به جامعه شناسان کمک نموده تا ناهنجاری‌ها و مخاطرات و نابسامانی‌های موجود در جامعه را شناسایی و راهکارهایی برای مقابله با آن‌ها ارائه نمایند. امنیت مفهومی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد و درباره مفهوم آن دیدگاه‌ها و اختلاف نظرات متعددی وجود دارد، بدین جهت نمی‌توان در مورد آن به مفهوم واحدی دست یافت.

امنیت از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام جنبه‌های حیات بشری به نحوی مشهود و مؤثر محسوس است و از دیرباز تاکنون در حیات انسانی امنیت می‌تواند دارای مفاهیم احساس امنیت، آرامش و آسودگی خاطر، عدم ترس و اضطراب، امنیت مادی و روانی، آرامش فکری و روحی، به دور از تهدید و آشوب بودن است.

۲. روش پژوهش

هدف این پژوهش کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی می‌باشد. در این تحقیق به منظور جمع‌آوری داده‌ها، آمیزه‌ای از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی به کارگرفته شده است. در روش کتابخانه‌ای، مفاهیم و تعاریف متغیرهای تحقیق، ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق مورد بررسی و بازنگری قرار گرفته و در نهایت به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از روش پیمایش استفاده شده است.

۳. بحث اصلی

۳-۱. مدرسه در سیستم آموزشی

تربیت آدمی نمی‌تواند واجد صفتی جز اجتماعی باشد؛ زیرا آدمی نمی‌تواند جز به صورت اجتماعی زندگی کند و تربیت بدون جامعه وجود ندارد. نمونه‌ی انسانی که هر اجتماع به کمک تربیت درصدد تحقق آن است به کلی با مسطوره‌ی نوعی متفاوت است. این نمونه بر تصویری که جامعه از خویشتن دارد و در نتیجه بر آدمی مستغرق در جامعه و درگیر با کنش‌های آن، منطبق است، حتی نمی‌توان گفت که جامعه افراد جوان را برای خود و نه برای خودشان تربیت می‌کند. زیرا جامعه حتی قادر نیست از آدمی در خارج از جامعه تصویری داشته باشد و تصور آدمی خود یک تصور اجتماعی یا به قول جامعه‌شناسان، تصویری گروهی است (بکر، ۲۰۱۱). با این چشم‌انداز تربیت اجتماعی^۱ به لحاظ تأثیری که در آماده کردن فرد برای هم‌زیستی با دیگر هم‌نوعان و کسب هویت فردی و اجتماعی و تداوم حیات فرهنگی جوامع، حفظ آداب و سنن و میراث فرهنگی دارد، مورد توجه اندیشمندان تربیتی، جامعه‌شناسان و نیز مسئولان نظام آموزش و پرورش

واقع شده است. «از نظر جامعه‌شناسانی مانند امیل دورکیم^۱ (۱۶۵۶ - ۱۱۱۳) نقش آموزش و پرورش در جامعه آن است که کودکان را که هنوز اجتماعی نشده‌اند متناسب با نظام اجتماعی بارآورده و برای سازگاری با محیط خاص اجتماعی‌شان آنان را به هنجارها، رسوم و عادات مقتضی مجهز سازد» (کولی، ۱۹۹۹).

۲-۳. مفهوم سرمایه اجتماعی

۱-۲-۳. تعریف سرمایه اجتماعی

روابط دو جانبه، تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود. مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و همچنین سبب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. در این تعریف مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیک با سرمایه اجتماعی می‌گردند (غفاری، ۲۰۰۸).

قواعد، هنجارها، تعهدات، مبادله و اعتماد ایجاد شده در روابط اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و ترتیبات نهادی جامعه که اعضاء را قادر می‌سازد تا به اهداف فردی و اجتماعی خود نائل گردند (فلاوندی، ۲۰۱۲). نهادها، روابط و هنجارهایی که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهد (بانک جهانی). کلمن در تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریف کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد. به نظر او سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارد: اول همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، دوم کنش‌های معین افرادی که در درون یک ساختار قرار دارند را

1. Emile Durkheim

تسهیل می‌کنند. شکل معینی از سرمایه اجتماعی در تسهیل کنش معین ارزشمند بوده و ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا کم‌فایده باشد. کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد.

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح‌گردیده است. در کلی‌ترین سطح، سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد. اصولاً سرمایه اجتماعی در ذات روابط اجتماعی بوجود می‌آید و می‌توان با کارکردش آنرا تعریف کرد (الوانی، شیروانی: ۱۳۸۵). توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی در عمل لازم و ملزوم یکدیگرند؛ عبارتی نمی‌توان بدون عنایت به الزامات توسعه اجتماعی، از توسعه اقتصادی بهره‌مند شد (پارکل، ۲۰۰۹). به عقیده پاتنام از خصیصه‌های مهم سرمایه اجتماعی این است که پیوند ارتباطی میان افراد را تقویت می‌کند و پیوندهایی موجب ارتقاء همکاری و همبستگی میان اعضاء جامعه می‌شود، همکاری جمعی، اعتماد اجتماعی و قابلیت مدنی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد. نتیجه این وضعیت فائق شدن نیروهای همبستگی اجتماعی بر شرایط گسسیختگی اجتماعی است. در شرایط همبستگی اجتماعی افرادی که صاحب همبستگی اجتماعی هستند، افراد صاحب هویت می‌شوند و نظام اجتماعی نقطه اتکاء مناسبی برای آن‌ها می‌شود در حالی که در شرایط گسستگی اجتماعی جامعه، نظام اجتماعی به شکل پراکنده در می‌آید در جامعه پراکنده شده احساس گم‌گشتگی، اضطراب و اندوه بر انسان‌ها چیره می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۴: ۱۶۴). و در نتیجه احساس ناامنی افزایش می‌یابد. وجود اعتماد، فضایی را ایجاد می‌کند که فرد بتواند با آسودگی خاطر و احساس امنیت به فعالیت و کنش‌های مفید اجتماعی بپردازد. در صورت فقدان اعتماد، نظم اجتماعی مختل می‌شود و جریان کنش‌های اجتماعی دچار مشکل می‌گردد. فرد قادر نخواهد بود در هیچ یک از ابعاد زندگی کنش دیگران را

پیش‌بینی کند و دائم در این ترس به سر می‌برد که دیگری که در کنش متقابل با اوست احتمال دارد به گونه‌ای عمل کند که به ضررش تمام شود و یا این که منافعی را به خاطر منافع خود به خطر اندازد. در چنین فضایی علاوه بر اینکه هزینه‌های افراد در برقراری ارتباط با دیگران افزایش می‌یابد، فرد با اضطراب و دلهره در کنش‌های اجتماعی وارد می‌شود. با توجه به اینکه دو مقوله اعتماد و مشارکت مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند از اینرو در جامعه‌ای که سطح اعتماد و مشارکت بالا باشد میزان احساس امنیت جانی، اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌یابد.

۲-۲-۳. تعریف سرمایه و اجزاء آن از دیدگاه صاحب نظران

رابرت پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه اعتماد، هنجارها، و شبکه‌های پیوند که همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند می‌داند که نتیجه آن انواع متفاوتی از کنش‌های جمعی است. او سه شاخص برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد: آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی.

کلمن در تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریف کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد. به نظر او سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارد: اول همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، دوم کنش‌های معین افرادی که در درون یک ساختار قرار دارند را تسهیل می‌کنند. شکل معینی از سرمایه اجتماعی در تسهیل کنش معین ارزشمند بوده و ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا کم‌فایده باشد. کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد. او شاخص‌های زیر را برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد:

(۱) تعهدات ایجاد شده (۲) دسترسی اطلاعات (۳) هنجارهای اجتماعی (۴) اقتدار (۵) هویت (پیش قدم، ۲۰۱۲).

از نظر کلمن سرمایه اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه انسانی به همراه دارد. از نظر بورديو سرمایه اجتماعی جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در گروه برای دستیابی به منابع آن گروه است. در واقع پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد.

از نظر بورديو سرمایه اجتماعی در نهایت می‌تواند سرمایه اقتصادی به همراه داشته باشد (رشیدی، ۲۰۰۹).

از دیدگاه بورديو سرمایه اجتماعی دو شاخص اساسی دارد: (۱) اعتماد (۲) پیوند از دید فوکویاما سرمایه اجتماعی وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها و هنجارها ممکن است به هنجارها و ارزش‌های منتهی باشد. فوکویاما در ارتباط با سرمایه اجتماعی دو نکته را تأکید می‌کند:

(۱) سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست نه افراد، به عبارت دیگر هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دارند که بیش از یک فرد در آن سهیم باشند.

(۲) همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی (خواه بد و خواه خوب) ضروری است. پس ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی می‌تواند مثبت و منفی باشد (علاقه‌بند، ۱۳۸۴).

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی دو بعد اصلی دارد: (۱) ارزش‌های غیر رسمی (۲) هنجارهای غیر رسمی

با توجه به تعاریف و بیان اجزای سرمایه اجتماعی، چهار جزء در همه آن‌ها مشترک هستند که می‌توان به عنوان ابعاد کاف سرمایه اجتماعی در نظر گرفت:

(۱) مشارکت در شبکه‌ها (۲) روابط متقابل (۳) هنجارها و ارزش‌های اجتماعی (۴) اعتماد (همان)

از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی سه مؤلفه ذیل مد نظر است:

اعتماد اجتماعی^۱: اعتماد اجتماعی ایجادکننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود. آنتونی گیدنز اعتماد و تأثیر آن بر فرایند توسعه را زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند (رکسا، ۲۰۱۱: ۱۱۹).

بی‌اعتمادی پدیده‌ای روانشناختی است که فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد. بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه و فراگیر شدن آن باعث بی‌اعتمادی افراد می‌شود. شدت چنین وضعیتی نزول معیارهای اخلاقی فرد و نادیده گرفتن معیارهای جمعی و در نهایت تجاوز به حقوق دیگران حتی به صورت آشکار و به صورت باج‌گیری‌های مختلف است (همان: ۱۲).

روابط اجتماعی^۲: برقراری ارتباط و برخورداری از مهارت‌های ارتباطی لازمه اساسی و بنیادین انجام کنش‌های اجتماعی است. از این طریق موفقیت‌هایی را کسب می‌کنند که به تنهایی قادر به دست یافتن به آن‌ها نیستند یا با دشواری بسیار موفق به کسب آن‌ها می‌شوند (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱). در تعریف جمیز کلمن سرمایه اجتماعی برای توصیف روابط بین مردم، گروه‌ها و جماعت‌هایی که اعتماد و التزام‌های دوطرفه را به وجود می‌آورند استفاده می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲).

به این ترتیب سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع آن دسته از ارتباطات و شبکه‌های ارتباط اجتماعی که در جامعه موجودند به طوری که افزایش ارتباطات فردی و گروهی به افزایش میزان سرمایه اجتماعی در گروه و جامعه منجر می‌شود و از سوی

1. Social trust

2. Social relation

دیگر سرمایه اجتماعی نیز بسترهای لازم را برای افزایش سطح روابط و مناسبات فردی و اجتماعی فراهم می‌سازد (همان).

مشارکت اجتماعی^۱: مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان‌یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد. شهود چنین مشارکتی وجود نهادهای مشارکتی مانند انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی است (سرمد، ۲۰۰۹).

مشارکت اجتماعی از طریق تقویت احساس عضویت در جمع، تقویت احساس اشتراک در ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، تقویت اهداف جمعی سرمایه، روحیه تعاون در جامعه و توسعه اقتدار ملی از طریق تقویت انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد و تحکیم و انسجام اجتماعی را تضمین می‌کند (شاری پور، ۲۰۱۱).



شکل ۱. شاخص‌های سرمایه اجتماعی

۳-۲-۳. ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دارای سه بعد اساسی است:

(۱) بعد ساختاری: شامل الگوی پیوندهای میان اعضاء گروه و ترکیب سازماندهی این اعضاء است. سلسله مراتب شبکه، تراکم و میزان همگنی گروه یا اعضای گروه از جمله شاخص‌های عمده بعد ساختاری هستند.

(۲) بعد هنجاری: به کیفیت تعاملات و ارتباط اعضاء در درون یک گروه اشاره دارد. در این بعد شاخص‌هایی نظیر اعتماد و ارتباط متقابل مطرح است.

(۳) بعد شناختی: کمتر قابل اندازه‌گیری بوده و می‌توان آن را ارزش‌های مشترک در میان اعضای یک گروه دانست. هنجارها، ارزش‌ها، نگرش، باورها، فرهنگ شهری و ... در این بعد قرار دارند.

به طور کلی سرمایه اجتماعی به شاخص‌هایی از قبیل میزان اطلاعات و آگاهی‌های عمومی، اندیشه و تفکر عقلانی، خیرخواهی، احساس و سطح عمومی اعتماد در جامعه، احساس تعهد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، صداقت، همدردی، وفاداری، هویت سازمانی، قدرت نفوذ و اقتدار فردی، میزان کنش‌ها و روابط متقابل بین اعضای یک گروه، هنجارهای اجتماعی یکسان، اعتبار، همکاری و همیاری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، میزان و احساس امنیت در یک گروه یا جامعه، همبستگی، میزان و گستردگی تعاملات دوستانه، تعاملات خانوادگی و اجتماعی، میزان نابسامانی‌های اخلاقی فردی و اجتماعی، میزان فساد در سطح حاکمیت و جامعه، میزان دینداری، وجود ایدئولوژی مبتنی بر مصلحت عمومی، احساس و میزان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی، سطح ارزش‌های مشترک، نوع دوستی، قانون‌مداری، مردم‌گرایی، تحمل‌پذیری نسبت به تکرر، احترام متقابل، نظم‌پذیری و ثبات و عدم ازهم‌گسیختگی اجتماعی دلالت دارد.

۴-۲-۳. سنجش سرمایه اجتماعی

بطور کل به منظور سنجش سرمایه اجتماعی قاعده خاصی وجود ندارد و تمام محققان و اندیشمندان داخلی و خارجی برای سنجش آن مؤلفه‌های متعددی بیان می‌کنند. جدول زیر بصورت کلی شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را از نظر اندیشمندان مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۱. سنجش سرمایه اجتماعی از نظر متخصصان و پژوهشگران

نظریه پرداز	مؤلفه	نتیجه
پاتنام	آگاهی، مشارکت، نهادهای مدنی	افزایش این مؤلفه‌ها بیانگر پیوند محکم شبکه ای و همکاری شهروندان است.
اینگلهارت	اعتماد	موجب تسهیل ارتباط و جریان اطلاعاتی می‌شود.
فوکویاما	مؤلفه‌هایی که عدم وجود سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند: میان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده و ...	افزایش و کاهش این مؤلفه‌ها بر میزان سرمایه اجتماعی اثرگذار است.
بولن و انیکس	مشارکت اجتماعی، کنش گرایی، احساس امنیت و اعتماد و پیوندهای همسایگی دولتی و خانوادگی	رفاه و آسایش شهروندان را افزایش داده و روحیه جمعی را تقویت می‌کند.
بورديو	مشارکت فرد در شبکه‌های اجتماعی	ایجاد شبکه‌هایی با هنجارهای متعارف و اعتماد
کلمن	اعتماد، اطلاع رسانی و مشارکت در گروه	افزایش پیوندهای اجتماعی و همیاری
اکارت و کراین	اعتماد به حکومت محلی، زیست پذیری	ارتباط سرمایه اجتماعی با توسعه منطقه ای

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱.

با توجه به جدول فوق و بر اساس نقاط مشترک دیدگاه‌های فوق در زمینه سنجش سرمایه اجتماعی، در این تحقیق از مشارکت و اعتماد به عنوان اصلی‌ترین و پرکاربردترین مؤلفه‌ها به منظور سنجش سرمایه اجتماعی استفاده گردید.

۳-۳. مفهوم امنیت

کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. واژه «امن» یعنی بی‌گزند و بی‌آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی‌گزندی و بی‌آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. در تعریف امنیت می‌توان گفت: "در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود."

امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود، هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است. "واژه‌ی امنیت، ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول شد. بعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بیشتر کارآیی پیدا کند." والتر لپمن محقق و نویسنده آمریکایی، نخستین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد: "یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به پیش ببرد." نکته‌ای که در اینجا لازم به یادآوری است، مفهوم امنیت می‌باشد. "آنچه که امروز در مباحث سیاسی، خصوصاً در مباحث سیاست خارجی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد مفهوم امنیت ملی است نه فقط «امنیت» تنها. امنیت ملی از مفاهیمی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد. ریشه آن به انقلاب کبیر فرانسه بر می‌گردد؛ زمانی که برای اولین بار واژه‌هایی چون «ملی» و «ملیت»، خلق شد و دارای تعاریف و محدوده‌های خاصی گشتند."

۳-۴. تأثیر آموزش‌های مدرسه‌ای و نقش معلمان در توسعه امنیت و سرمایه اجتماعی

با توجه به بیانات سخنگو و معاون اجتماعی ناجا سردار منتظرالمهدی، در خصوص نقش و کارکرد معلمان در ایجاد و تقویت و استمرار "امنیت اجتماعی"، ما مطالعات کمی و کیفی زیادی در اختیار داریم که آشکار می‌سازد معلمان ما در افزایش هر دو بعد امنیت اجتماعی یعنی هم بعد عینی آن و هم وجه ذهنی آن، سهم و نقش دارند. به بیان گویاتر، معلمان ما، هم قادرند وقوع کجروی و جرم و انحراف اجتماعی را کاهش دهند (بعد عینی امنیت اجتماعی) و هم می‌توانند نگرانی، دغدغه، دلواپسی و احساس ناامنی مردم جامعه را فرو بکاهند و احساس امنیت آنان را افزایش دهند (بعد ذهنی امنیت اجتماعی). معلمان وجه اول را به دو طریق محقق می‌سازند. طریق نخست آن‌که، آنان انسان‌هایی را پرورش می‌دهند که گام نهادن در راه کجروی و انحراف و بزهکاری را نه تنها "جرم" تلقی می‌کنند بلکه آن را عملی "غیر اخلاقی" و "گناه آلود" می‌شمارند و لاجرم از اندیشیدن به آن اجتناب می‌ورزند. به تعبیر دیگر، معلمان ما، در کنار اهتمام جدی به شناخت عاطفی و جسمانی فرزندان جامعه، می‌کوشند تا بعد معنوی و اخلاقی آنان را نیز پرورش دهند و "وجدان اخلاقی" نیرومندی در نظام روانی آنان پدید آورند. بی‌نیاز به هیچ استدلالی، افرادی که از وجدان اخلاقی نیرومندی برخوردار باشند برای دست‌نیازیدن به کنش‌های مخل امنیت اجتماعی نیازی به "کنترل بیرونی" ندارند و به صورت "خودانگیخته و با برخورداری از کنترل درونی"، از هنجارشکنی و قانون‌ستیزی اجتناب می‌ورزند و با تقویت تاب‌آوری روانی در مواجهه با پدیده‌ها و آسیب‌های اجتماعی، از بحران‌های پیش‌رو، سربلند بیرون می‌آیند. اما، روش دیگری که معلمان ما از آن برای افزایش امنیت اجتماعی بهره می‌گیرند "مداخله پیشگیرانه" در مشکلات رفتاری و کرداری دانش‌آموزان و اصلاح خطاهای تربیتی والدین است. آنان از این واقعیت آگاه‌اند که شماری از کودکان و نوجوانان به سبب ترکیب عوامل زیستی، روانی و

اجتماعی، مستعد دست یازیدن به اقدامات کجروانه و رفتارهای آسیب‌زا و امنیت‌ستان هستند. لیکن با مداخله زودرس و اقدامات پیشگیرانه می‌توان آسیب‌پذیری و آسیب‌زایی آنان را از میان راند. همه ما می‌دانیم که شمار زیادی از معلمان مسئول و آگاه با اقدامات مشاوره‌ای و مداخلات تربیتی و درمانی خود از سوق یافتن شمار زیادی از این گونه کودکان و نوجوانان به ورطه بزهکاری و کنش‌های انحرافی جلوگیری می‌نمایند و بدین ترتیب از کاهش امنیت اجتماعی (در بعد عینی آن) جلوگیری می‌نمایند. معلمان امنیت آفرین جامعه ما، برای شکل دادن دنیای روانی امن در درون فرزندان جامعه و ایجاد زمینه‌های نضج و تقویت احساس امنیت، از روش‌های مختلفی استفاده می‌نمایند. اما، از آن میان به نظر می‌رسد که یکی از تلاش‌های آنان اثرگذارتر و ماندگارتر است. این تلاش کمک به شکل‌گیری "نگرش واقع‌بینانه و توأم با خوش‌بینی به جهان پیرامون" در کودکان و نوجوانان است. شواهد نشان داده‌اند وقتی چنین نگرش و برداشتی در ذهن کسی شکل بگیرد او همواره احساس امنیت خواهد کرد. چه، او می‌داند که گر چه اتفاقات زیاد و رخ داده‌های طبیعی و ساخته دست بشر در دنیای پیرامون او چهره می‌نمایند اما... اولاً: شمار آن‌ها اغلب کمتر از رخ داده‌های مثبت است و ثانیاً: بسیاری از آن‌ها را می‌توان با درایت و عقلانیت و هوشمندی از میان راند. از آن گذشته، معلمان ما در درون مدرسه دنیای امن، شاد و احترام‌آمیزی خلق می‌کنند که به نوبه خود سهم زیادی در پرورش امنیت روانی دانش‌آموزان دارد و من به سهم خود بوسه بر دستان معلمان زحمتکش و بی‌توقع می‌زنم و همواره خود را مدیون آنان می‌دانم. همچنین، "یکی از موضوعات مورد توجه جامعه شناسان، آموزش و پرورش و نقش آن در اجتماعی کردن افراد است. امروزه آموزش و پرورش به عنوان یک نیاز اجتماعی جلوه‌گر شده است و بدون شک یکی از عوامل مهمی که در کیفیت آموزش و پرورش مؤثر است، درجه اهمیت و اثربخشی معلمان است. نهاد آموزش و پرورش

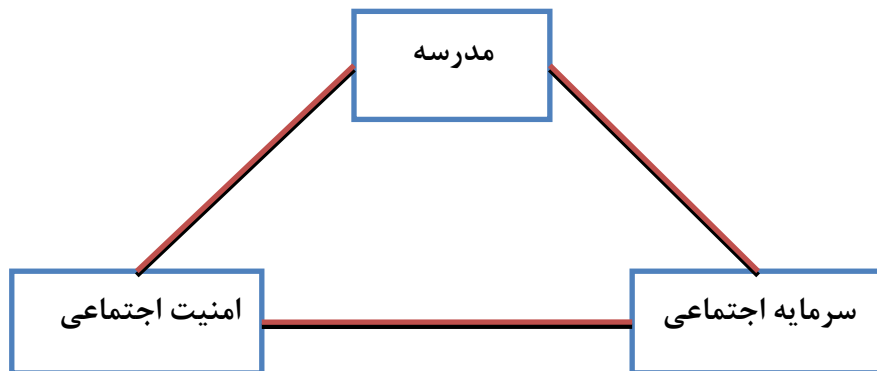
بسان یک سیستمی است که معلمان نقش بسزایی در تعلیم و تربیت ایفا می‌نمایند، لذا اثربخشی آن‌ها برای موفقیت در کارشان بسیار مهم است. حال این سؤال به ذهن خطور می‌کند که بین سرمایه اجتماعی و اثربخشی معلمان چه رابطه‌ای وجود دارد؟ تحقیقات اخیر نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و اثربخشی معلمان رابطه مستقیم وجود دارد. اهمیت سازمان‌ها و نقش نیروی انسانی در جوامع امروزی، اثربخشی را به یکی از مباحث بسیار مهم در پژوهش‌های مربوط به سازمان‌های اداری تبدیل نموده است. در یک سازمان آموزشی هر چه افراد مشارکت بیشتری در برنامه‌ریزی‌ها و روند کاری و شغلی خود داشته باشند، از آگاهی اجتماعی بالاتری برخوردار باشند و هنجارهای اجتماعی نظیر هنجارهای مشارکت و اعتماد بیشتر رواج پیدا کند، اثربخشی بالاتری از کار خود خواهند داشت و اثربخشی بالاتر، هم به کارایی بیشتر سازمان و موفقیت اعضای آن می‌انجامد. سرمایه اجتماعی و اثربخشی معلمان مستقیماً به کارایی بیشتر سازمان و اهداف آموزشی مورد نظر آن منجر خواهد شد و آگاهی از میزان سرمایه اجتماعی معلمان و اثربخشی آن‌ها چشم انداز بهتری به برنامه ریزان امر آموزش و توسعه خواهد بخشید.

بر پایهٔ افق چشم انداز ۱۴۰۴، مدرسه جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضهٔ خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامهٔ نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی است.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در دی ماه سال ۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب رسیده است. این سند با ماموریت تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم التعلیم طی ۱۲ پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله) تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را

بصورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثر بخش فراهم سازد. انجام این مهم نقش زیر ساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت. سند تحول بنیادین دارای شش زیر نظام می‌باشد. یکی از زیر نظام‌ها مربوط به تربیت معلمان و تامین منابع انسانی می‌باشد که در پاییز سال ۱۳۹۶ به تصویب شورای عالی رسیده است. این زیرنظام دستیابی به تحول بنیادین آموزش و پرورش و افزایش عملکرد تمامی افرادی که از سطح ستاد تا سطح مدرسه مسئولیت تربیت متربیان در نظام تربیت رسمی و عمومی را بر عهده دارند، شامل می‌شود. ماموریت اصلی این زیر نظام ایجاد زمینه‌ها و فرایندهایی است که از طریق آن مربیان قادر به تشخیص موقعیت و شناسایی نقاط قوت و ضعف و سطح بلوغ فکری و روانی خود بوده و بتوانند زمینه‌هایی را برای رشد و توسعه ظرفیت‌های وجودی خود و دستیابی متربیان به مراتب حیات طیبه فراهم آورند. از آن جا که ارائه خدمات مطلوب و عادلانه تربیتی به آحاد جامعه از وظایف حاکمیت دینی می‌باشد لذا باید برای انتخاب، آماده‌سازی و نگهداشت معلمان و منابع انسانی، سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مکفی از سوی دولت به عنوان مهم‌ترین رکن پشتیبان از عوامل سهیم در امر تربیت صورت گیرد. در این فرایند، باید جایگاه و منزلت اجتماعی معلمان و منابع انسانی ارتقا یابد و نقش ایشان به منزله سرمایه فرهنگی و فکری جامعه و مولد سرمایه اجتماعی منظور گردد. از آن جا که معلمان و منابع انسانی شاغل در نظام تربیت رسمی و عمومی در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیار متفاوتی ایفای نقش و مسئولیت می‌کنند، باید این تفاوت باید در روند جذب، آماده‌سازی، حفظ و ارتقا و ارزش‌یابی معلمان و منابع انسانی برای این نظام، مورد توجه قرار بگیرد و در آخر کرامت انسانی و شان والای منابع انسانی در تمامی مراحل جذب، حفظ و ارتقا و ارزشیابی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار بگیرد. البته با توجه به اظهارات مهدی نوید دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش درباره زیر نظام‌های سند تحول

بنیادی و برنامه‌های سال ۹۷، بخش‌های مختلف وزارت آموزش و پرورش برای عملیاتی کردن سند تحول بنیادی وارد عمل شدند و عزمی جدی برای این مهم دارند و بعد از تصویب همه زیر نظام‌ها، وزارت‌خانه برنامه‌های عملیاتی بعد از این مرحله را به تدریج و طبق برنامه‌ریزی پیش خواهد برد. رضوان حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش درباره تلاش‌های انجام گرفته در سال ۹۶ در جهت توسعه آموزش ابتدایی اظهار داشت: بر اساس ارزیابی عملکرد سالانه، معاونت آموزش ابتدایی، امسال از رشد ۹۰۷ درصدی برخوردار بوده است. مهم‌ترین اصل در آموزش ابتدایی قرار دادن قرآن به عنوان کتاب اصلی زندگی است و این آموزش باید بر مبنای تربیت محتوایی شکل گیرد نه تربیت شکلی و ظاهری. همچنین رفتاری که معلم و مربی سر کلاس باید داشته باشد باید برگرفته از رفتار و سیره پیامبر اکرم (ص) باشد. در این صورت توجه به اصالت تشویق و عفو و گذشت و بر اساس قرآن کریم و تقسیم یک نگاه مهربان از سوی معلم می‌تواند در رفتار دانش‌آموزان، مخصوصاً مقطع ابتدایی که پایه شکل‌گیری رفتارها و فرهنگ اجتماعی در آن گذاشته می‌شود، تأثیرگذار باشد و در جهت تقویت سرمایه اجتماعی عمل کند (پورتال اطلاع‌رسانی آموزش و پرورش).



شکل ۲: مدل مفهومی برگرفته از ادبیات تحقیق

۴. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده، نقش آموزش و پرورش، مدرسه و معلمان در حداقل نمودن بزهکاری و افزایش امنیت در اجتماع از طریق تربیت انسان هایی سالم به لحاظ معنوی و اخلاقی غیرقابل اغماض است. از آنجایی که انسان‌ها از بزرگترین سرمایه اجتماعی یک اجتماع محسوب می‌گردند، پرورش و تربیت صحیح آن‌ها توسط معلمان، سبب ایجاد جامعه ای امن، به دور از آسیب، ناامنی، آشوب و نیز اجتماعی قانونمند و پیرو هنجار و ارزش‌های اجتماعی می‌گردد. ضمن آن که محیط امن و سالم مدرسه به تربیت چنین سرمایه‌هایی کمک شایان توجهی می‌نماید. از آن جا که وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی است، بنابراین معلمان رسالت خطیر و مهم آماده سازی و تربیت دانش آموزان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم همراه با امنیت کامل را عهده‌دار می‌باشند.

۵. پیشنهادات

- ۱ - توسعه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آموزشی و پرورشی و نیز ارتقای جایگاه، نقش و تأثیر قابل توجه آن در پرورش دانش‌آموزان، این سرمایه‌های اجتماعی ارزشمند جامعه، و به تبع آن اثرگذاری مستقیم این تربیت بر افزایش امنیت جامعه.
- ۲ - بازنگری، اصلاح و بازتولید برنامه‌ها و محتوای آموزشی و اصول و طرق تربیتی و نیز آشنا نمودن دانش‌آموزان با محتوای این برنامه‌ها.
- ۳ - توانمندسازی دانش‌آموزان و افزایش آموزش و ارتقای آگاهی آنان و همکاری و همیاری نمودن خود آن‌ها با مدرسه و معلمان جهت تسهیل دستیابی سریع به این امر خطیر یعنی افزایش امنیت ملی و تشریح اثرگذاری خود دانش‌آموزان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی این مرز و بوم در ارتقای امنیت ملی.

۴- ارج نهادن و پشتیبانی از محققان حوزه آموزش و پرورش جهت ارائه روش‌ها و طرق جدید تربیتی دانش‌آموزان و زمینه‌سازی انتقال یافته‌هایشان به مدرسه و نیز تشکیل حلقه‌ای از محققان، آموزش‌وپرورش، مدرسه و معلمان و حتی خود دانش‌آموزان جهت دستیابی سریع به تربیت صحیح سرمایه‌های اجتماعی (دانش‌آموزان) و ارتقای امنیت ملی.

۵- سیاست‌گذاری‌های صحیح در جذاب نمودن طرق تربیتی معلمان و همچنین آموزش مدرسه و معلمان به دانش‌آموزان و خانواده‌ها در حوزه جرایم و مجازات‌ها و عواقب برهم زدن نظم و امنیت ملی.

۶- تشریح رابطه مدرسه، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی توسط مدرسه و معلمان.

۷- توصیه می‌گردد آموزش ضمن خدمت به معلمان و مراکز تربیت معلم با حساسیت افزون‌تری اقدام به جذب نیروی انسانی و سپس آموزش آنان بپردازد.

۶. منابع

[۱] پاتنام، روبرت (۱۳۸۴) دمکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران:

دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور

[۲] نقل از سردار منتظرالمهدی، گزارش سرویس انتظامی ایسنا ۱۳۹۵، نقش معلمان در

افزایش امنیت اجتماعی، خبرگذاری دانشجویان ایران (ایسنا)

[3] Barber, B. 1983. *The logic and limits of trust*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.

[4] Baum, J.A.C. & Oliver, C. 1992. *Institutional embeddedness and the dynamics of organizational populations*. *American Sociological Review*, 57: 540-559.

[5] Becker, B. (2011). *Social disparities in children's vocabulary in early childhood. Does pre-school education help to close the gap*. *The British Journal of Sociology*, 62, pp69-88 ط

- [6] Blau, P.M. 1964. *Exchange and power in social life*. New York: Wiley.
- [7] Coleman, J.S. 1988. *Social capital in the creation of human capital*. *Journal of Sociology*,94: S95-S120.
- [8] Colley, K.M, Parson, S., & Kelly, P. (1999). *Coming to know a school culture*. Doctoral thesis. Virginia Polytechnic Institute
- [9] Ghaffari, Gholam Reza (2008). *Structures of cultural capital and its productive resources*. *The growth of social science*, 2, pp 21-12
- [10] Ghalavandi, Hasan, Amani Sari Begloo, Javad, and Babaei Sanglaghi, Mohsen (2012). *The focal analysis of the relationship between school culture and basic psychological needs among students*. *Quarterly of Modern Thoughts*, (4) 8, pp28-9۲
- [11] Mitroff, I.I. & Alpaslan, M.C. 2003. *Preparing for evil*. *Harvard Business Review*, 81:109-115.
- [12] Oliver, C. 1990. *Determinants of interorganizational relationships: integration and future directions*. *Academy of Management Review*, 15: 241-265.
- [13] Parcel, T.L., & Dufer, M. (2009). *Family and school capital explaining regional variation in math and reading achievement*. *Research in Social Stratification and Mobility*, 27, pp 157-176
- [14] Pishghadam, R., & Zabihi, R. (2011). *The Construct Validation of a Questionnaire of Social and Cultural Capital*. *English Language Teaching*, 4(4), pp 195-203.
- [15] Pennings, J.M., Lee, K. & van Witteloostuijn. 1998. *Human capital, social and firm*
- [16] *dissolution*. *Academy of Management Journal*,41: 425-441.

- [17] Putnam, Robert D. 1995. *Bowling alone: America's declining social capital*. *Current*.373: 3-10.
- [18] Rashidi, Kobra (2009). *Study of the relationship between school culture and knowledge management in girls' high schools in Tehran from the viewpoint of teachers*. Master's Thesis. Tarbiat University of Shahid Rajae University of Tehran
- [19] Roksa, J., & Potter, D. (2011). *Parenting and Academic Achievement: Intergenerational Transmission of Educational Advantage*. *Sociology of Education*, 84(4), pp 299–321
- [20] Sarmad, Zohreh, Bazargan, Abbas, and Hejazi, Elaheh (2009). *Research Methods in Behavioral Sciences*. Tehran: Aqa Publication
- [21] Sharipoor, Mahmoud (2011). *Sociology in Education*. Tehran: Publication of the side
- [22] Van, D., Werfhorst, H., & Hofstede, S. (2007). *Cultural capital or relative risk aversion? Two mechanisms for educational inequality compared*. *The British journal of Sociology*, 53(3), pp 391
- [23] Willekens, M., & Lievens, J. (2014). *Family (and) culture: The effect of cultural capital within the family on the cultural participation of adolescents*. *Poetics*, 42, pp98–113
- [24] Wong, M.T & holcombe, R. (2010). *Adolescents' perceptions of school Environment, Engagement & Academic Achievement in Middle school*. *American Educational Research Journal*, 47(3), pp 633-662